



بالایی ندارد؛ یعنی در حد گزارشگر می توانست آدم موفق باشد ولی عیار اجرا را نداشت و فوت و فن اجرا را بلد نیست. اگر سال ها هم روی او سرمایه گذاری شود چون آن و کاملیت وجودی ندارد هیچوقت نمی تواند به مرز شکوفایی بالایی برسد.

موفقیت نتیجه یک زنجیره درست است

همه این ها یک زنجیره است، یعنی شما نمی توانید بگویید برنامه ای صرفا به دلیل مجری توانسته خوب باشد. مجری ابزار می خواهد؛ یعنی احسان علیخانی اگر آن دکور، میزانشن و هزینه ای را که در برنامه سازی می کند، انجام ندهد هیچ فرقی با یک برنامه ساز مبتدی ندارد. می خواهم بگویم باید به این نکته توجه کنید که این زنجیره و ملزومات، همه باید در کنار هم قرار بگیرند. یعنی اگر در حوزه برنامه سازی لری کینگ یا هر شخص دیگری باشید، ایده درست خیلی مهم است. برای مثال در برنامه «عصر جدید» اگر ابزارش را نداشته باشید یعنی نتوانید دکور خوب بزنید و نورپردازی خوب انجام دهید و یا نتوانید موسیقی خوب داشته باشید و همچنین اگر هیجان لازم به برنامه سازی، دعوت از میهمان ها، اجرا و همه این موارد در یک سطح کاملا معمولی باشد مشخص است که برنامه دیده نمی شود. کما اینکه قبل از «عصر جدید» برنامه هایی در شبکه های نسیم ورزش داشتیم که بر اساس استعداد یابی بودند ولی چون به لحاظ شیوه ساختاری و اجرایی بسیار مبتدی بودند نتوانستند مخاطبی جذب کنند. پس از نظر من همه این موارد یعنی مجری خوب، تهیه کننده و ایده و اجرای خوب را باید مکمل هم قرار دهیم که هر کدام از این موارد ضریب خاص خودشان را دارند. به طور مثال اگر ساختارمان خوب باشد و خیلی خوب هزینه کنیم و به جای احسان علیخانی یک مجری ناشناخته و کم توان بگذاریم برنامه ضربه می خورد ولی این به آن معنی نیست که در حال حاضر برنامه را علیخانی می تواند جلو ببرد. احسان علیخانی می تواند برنامه خوب بسازد چرا که هزینه خوبی می کند و این را باید در نظر بگیریم که خوب هزینه می شود چون ایده خوبی وجود داشته است. همه این عوامل یک زنجیره است و تنها به یک عامل بستگی ندارد.



ایده درست خیلی مهم است. برای مثال در برنامه «عصر جدید» اگر ابزارش را نداشته باشید یعنی نتوانید دکور خوب بزنید و نورپردازی خوب انجام دهید و یا نتوانید موسیقی خوب داشته باشید و همچنین اگر هیجان لازم به برنامه سازی، دعوت از میهمان ها، اجرا و همه این موارد در یک سطح کاملا معمولی باشد مشخص است که برنامه دیده نمی شود.

تبدیل شود و مخاطبان بسیار وسیعی داشته باشد اما همچنان می گویم به دلیل آن قانون های نانوخته، تلویزیون می تواند به راحتی شما را حذف کند اما به نظر من تلویزیون باید با سرمایه های خود بهتر و درست تر رفتار کند. کما اینکه از آن سو هم هنرمند باید بدانند در چه چارچوبی کار می کند. یعنی هنرمندی که برنامه ساز، تهیه کننده و مجری است باید بدانند که به واسطه این اجرا توانسته مقبولیت و اعتمادی بین مردم کسب کند و نباید با رفتارهای خارج از عرف خود این اعتماد را از بین ببرد. به هر حال این یک اتفاق دو طرفه است اما به نظر من نقش مدیران و تصمیم گیرندگان در تلویزیون در حذف برنامه سازها پررنگ تر از خود آن هاست.

مجری جایگزین فردوسی پور عیار بالا ندارد

قطعاً؛ از نظر من بخش عمده ای از آن دلخوری که مخاطبان از کلیت تلویزیون پیدا کرده اند، مربوط به حذف برنامه «نود» است زیرا برنامه ای که جایگزین آن کردند یعنی «فوتبال برتر»، با اینکه حدود سه سال از بخش آن می گذرد همچنان جزو کم مخاطب ترین برنامه های خود شبکه و تلویزیون است، یعنی هیچوقت نتوانست به آن مقبولیت برسد. یک دلیلش این بود که مردم دیدند مجری عیار

از یک جامعه را شامل می شوند. کما اینکه از نظر من در ضریب تعداد مخاطبین تلویزیون همیشه خانم ها بیشتر از آقایان هستند اما چرا حضور خانم ها در تلویزیون کم رنگ تر است؟ این مساله هم برمی گردد به همان بحث محدودیت ها، ممیزی ها و قانون های نانوخته ای که ما سال ها است با آن دست و پنجه نرم می کنیم. این مساله ای هست که برای حضور بانوان در تلویزیون و در همه وجوه آن یعنی از اجرا گرفته تا گویندگی و بازی وجود داشته و هنوز کسی نتوانسته با آن به یک جای مشخصی برسد، یعنی هنوز هیچ خط و ربط و قانون و چارچوبی برای آن وجود ندارد. دلیل اصلی که خانم ها نمی توانند راحت تر باشند این است که به هر حال فضاهای ساختاری، حکومتی و شرعی ما به آن بخش پررنگ شدن خانم ها اجازه ای نمی دهد. به طور مثال یک مجری خانم نمی تواند آن توانایی اجرا چه در کلام و چه در فیزیک و حرکاتی که یک مجری آقایان را داشته باشد. من این را به معنی خوب و بدش نمی گویم؛ نمی خواهم بگویم که یک مجری خانم باید طوری حرف بزند که یک آقای می تواند حرف بزند و یا حرکاتی را انجام دهد که یک آقای می تواند انجام دهد اما به هر حال در ساختار شرعی و قانونی ما، همیشه خانم ها دچار محدودیت هایی هستند که این ارتباطی به وجود خودشان ندارد. یعنی چیزی هست که در کشور ما وجود دارد و خانم ها نمی توانند پررنگ به این موضوعات بپردازند. اگر در اجرا در نظر بگیریم، آقایان در بیان، رفتار و فیزیک خیلی راحت تر هستند ولی یک خانم محدودیت هایی دارد. با این حال و با وجود همه این مسائل ما چهره هایی را داشته ایم که در همین فضای محدود توانسته اند رقابت کنند، گلیم خودشان را از آب بیرون بکشند و موفق هم باشند.

ممنوع کاری برندسازها

بعضی از هنرمندان، تهیه کننده ها و برنامه سازها به دلیل رفتارهایی که با آن ها شده از تلویزیون دلخور شده اند و از این فضا رفته اند و یا اینکه خود مدیران این افراد را کنار گذاشته اند. در واقع بسیاری از افراد را مدیران تلویزیون به دلایل مختلفی که می تواند دلایل خاص خود مدیر باشد کنار گذاشته اند. کما اینکه بعضی از نام هایی که نیستند مثل علی درستکار، فرزاد حسنی و ... نتوانسته اند برنامه هایی بسازند که به برند

